



## Muddy Waters

Billy Gibbons

دوتا از دوستانم شنیدم. والتر بالدوین و استیو رابرتز در مدرسه راهنمایی در سال‌ها ۶۲ یا ۶۳ باهم بزرگ شدیم و به سمت هر دیوانگی موسیقایی که پیدا می‌کردیم می‌پریدیم. اکثر آهنگ‌های نسل من شاید با مادی واترز از طریق رولینگ استونز که اسپشان را از روی یک آهنگ مادی واترز انتخاب کردند آشنا شده باشند. من قبل از این که استونز پیدا بشو او را شنیدم. ولی همه جوهره خوب بود، چه او را قبل‌اش کشف کرده بودی یا بعدش یا کنارتش.

به هر حال من گیتار را به خاطر مادی واترز و کسان دیگر شروع کردم. جیمی ریپد، Howlin' Wolf، آبی بون و اکبر البرت کینگ، بی‌بی کینگ، فردی کینگ همه آن‌ها هم موثر بودند. ولی همه‌شان دنیاغری مادی واترز بودند. او از می‌سی‌سی‌پی با آکوستیک شروع کرد از شنستن برای خط پاس استفاده می‌کرد و با باتل‌پنک روی سیم‌های پایینی سلاید می‌کرد. سلاید گیتار نواختن صدای آدمیزاد را بیشتر از هر ساز دیگری دارد. در اصل این قضیه مستعلق به رابرت جانسون بود. صدای آن را به شیکاگو برد. آن را به برق وصل کرد. یک نوازنده باس استفاده کرد و یک ساز ذهنی و یک چسبن داشتی. گروه او همیشه خیلی قدرتمند و صدایش عمق جلالی داشت.

قیمت‌های گزاف برای گیتارهای آن دوران. مردم همیشه از مادی می‌پرسیدند چطور به آن صداهای ویژه در رکورد هایش می‌رسید و از چه سازی استفاده می‌کردند. جواب مادی همیشه این بود که هر گیتاری که پولمان می‌رسیده گاهی لوفات هم پوشی را نداشتند ولی به هر حال آن را می‌گرفتند. یک‌بار دلفستانی از Shaky Winters Horton و یکی از دوستانش که با هم در تاکسی تلفنی کار می‌کردند تعریف کرد. یک شب آخر شیفیت آن‌ها یک سیسم‌چین برده بودند و میکروفون تاکسی را کتند تا بتوانند صدای ساز ذهنی را زیاد کنند. این صدای اسلاید بلوز آن‌جا بود. یک میکروفون نزدی از تاکسی تلفنی.

میردم صدایش را خام، چرک و خش‌دار می‌نماد. اما بخصوص بلند نبود. این طوری صدا می‌داد. یک اسلاید فلزی ۴-۵ سانتی‌متری پنجاه اسمت؟ اندازه یک رادیو رومیزی بود. برای شنیده شدنش در یک مهمانی باید تا آن‌جا که می‌توانستی بلند کنی. و بعد تمام آن سورت نواختن سراسری سحر را پشت سر می‌گذاری و وارد میدان زیبایی از امواج Distortion که همه چیز را عمیق‌تر می‌کند می‌شوی. اگر یک گروه بزرگ ۲۰ نفره داشتی یک ۲۰ واتی داشتی. اولین‌بار مادی واترز را از طریق

مادی و گروهش سال ۱۹۸۱ در یک تور قبل از کنسرت ZZ Top اجرا کردند. این جریان پیش از چهل سال بعد از اولین ضبط او بود و گروه هنوز می‌توانست بلوز بزند، نه به عنوان کارکنندگان حرفه‌ای بلکه با همان اشتیاقی که مادی شروع کرد. وقتی خوانند همان قدرت جادویی را داشت. می‌توانستی بگویی آن قدرت جادویی‌اش اصلاً فروکش نکرده. او راضی، ساخته شده و مستقل بود. وقتی درباره موضوعی نظر داشت اجازه نمی‌داد بسازی از چیزها به جهت متفاوت میل پیدا کنند. اگر نسبت به رفتار کمیته‌ها دلتخوری داشت هیچ وقت نشان نمی‌داد. وقتی که سفر می‌کردیم و سفر می‌کردیم وقتی که دخترهای جوان را در فرودگاه دنبال نمی‌کرد یا او حرف می‌زدیم. برای ما دلفستانی تعریف کرد از دوستانش فردی کینگ و لیتل واترز که از دالاس تا شیکاگو برده رفته بودند. همیشه در ذهنم تصویر از دو نفر که از جنوب تا شمال از پیاده طی می‌کنند داشتیم. هر کسی برای این مهاجرت بزرگ قطار می‌گرفت. اسلاید برای آن‌ها بارون‌دلیل همراهشان نبوده باشد.

واترز دهه ۲۰ و اوایل دهه ۲۰ این قبل و قال بین موزیسین‌ها راه افتاده بود که به صدای اسلاید دهه پنجاه برگردند و شروع کردند به پرداختن

چیز جالب توجه این است که بلوز هیپ هورت نمرد، هیپ هورت، از دهه ۲۰ هر ده سال دوباره کشف شد. هیچ کس نمی‌تواند کاری که مادی کرد را بگذرد اما انرژی او هنوز به آن آتش سوخت می‌رساند. می‌توانی شور و هیجان‌اش را در گروه‌هایی مثل Black Keys و White Strips بشنوی. من به همه آلبوم اول‌اش، بهترین‌های مادی واترز با تک قطعاتش را پیشنهاد می‌کنم. Rollin' Honey Bee

She moves me. Louisiana Blues. Stone هم‌شان با ارزش‌اند. آلبوم‌هایی که جانی وینتر اواخر دهه هفتاد تهیه کرد با ناهای Hard again. I'm ready هم عالی هستند. جانی این موسیقی را درک کرد و امپایس اولین دهه پنجاه را بدست آورد. همه این‌ها قرار بود یکبار مصرف باشد. فقط صدایی روی یک دیسک شیشه‌ای و ما این‌جا در قرن بیست و یکم هنوز سعی می‌کنیم بفهمیم

چه‌گونه یک فرم هنری ساده می‌تواند این همه پویایی و موشکافانه باشد. هنوز سیناپس‌های مغز را در جهان می‌سوزاند. شما جامعه ژاپنی مادی واترز را دارید که هواداری در سوئد و انگلیس دارد و موسیقی او هنوز می‌تواند یک مهمانی را در آمریکا بچرخاند. او کاری کرد که سه‌تا آگورد صدای عمیقی بدهد و می‌دهد.



## Bob Marley

wyclef Jean

چه چیزی باب مارلی را از بسیاری آهنگسازان دیگر جدا می‌کند؟ آن‌ها نم‌دانند. نشت کردن باران نوبی خاصان یعنی چه. آن‌ها سعی می‌کنند. این که با میکروویو و شومینشان چه کار می‌کنند. این که با چوب آتش درست کنی و مملعت را از کنار قلیانوس بینی. مارلی از میان فقر و بی‌عدالتی از جامائیکا آمد و این مسئله در صدای شورش‌اش خود را بیان می‌کرد. مردم چشمه الهام او بودند. رو راست بود. مثل جان لنون. این ایده را که می‌توانی از طریق موسیقی و کلمات به صلح جهانی دست یابی را به کار بست. اما مقایسه او با دیگر موزیسین‌ها سخت است چون موسیقی تنها بخشی بود از آن‌چه او را می‌ساخت. او هم‌پنینک این انقلابی و بشر دوست بود. تأثیر او بر سیاست‌های جامائیکا بسیار قوی بود. آن قدر که چند بار دست به ترور او زدند. مارلی مثل

موسی بود. وقتی موسی حرف می‌زد مردم به حرکت می‌آفتابند. وقتی مارلی هم حرف می‌زد مردمش حرکت می‌کردند. همچنین مارلی یک تند رگه را به جهان معرفی کرد. وقتی من در هائیتی بزرگ می‌شدم جایی که پدرم یک مبلغ مذهبی و مسوول کلیسا بود. به سختی می‌توانستیم از شتیدن راک مسیحی قسر در بریم و مطمئناً از رب هم همین‌طور. وقتی چهارده سالم بود Exodus را شنیدم و پدرم که خیلی انگلیسی بلد نبود از من پرسید فون آهنگ درباره چیه؟ به او گفتم مذهبی و در مورد حرکت و جنبش است. دقیق‌تری که به گوش او رسید. دقیق‌تری که موسیقی مارلی به گوش هر کس می‌رسید. به صورت خودکار به حرکت می‌آفتاد. ارتعاش مستقیماً وارد مغزت می‌شد.

Redemption Song - ترانه رستگاری - فرسوسوی زمان است. بخودت را از بزرگی ذهنی خلاص کن / هیچ کس جز خودمان نمی‌تواند ذهن‌مان را آزاد کند، از انرژی تویی ترسی به دل راه نده / چون هیچ کدام نمی‌توانند زمان را لگه دارند. این در سال ۲۰۱۴ هم همین معنی را می‌دهد. امروز مردم تقلا می‌کنند تا بفهمند چیز واقعی چیست. آن قدر همه چیز مصنوعی شده که خیلی از مردم تنها چیزی که می‌خواهند این است که امید را به چنگ آورند. دلایلی که هنوز مردم نمی‌شناسند باب مارلی را می‌پوشند. این است که موسیقی او یکی از تندگ چیزهایی است که برای چنگ زدن به آن بقی مانده.

Reggae •